

رسالة شريفه

محض الاسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وفقني لترجمة حديث محض الاسلام ، و هداني الي جمع
حديث شرايع الدين معه في هذاالمقام ، ليكون هذه الرسالة سبباً لتسهيل الامر
للالانام والصلوة والسلام على سيدنا محمد واله الكرام ، واللجنة الدائمة على
اعدانهم من الان الي يوم القيام.

وبعد چنين گوید احقر فانی حسین بن نصرالله الموسوی الارومی عرب باغی که
چون حدیث شریف محض الاسلام با سندهای صحیحه و متعدده از حضرت امام رضا
(ع) روایت شده ، و حدیث شریف شرايع الدين از حضرت صادق صلوات الله عليه نقل
گردیده ، و مرحوم مجلسی اعلى الله مقامه هر دو را در جلد چهارم بحار الانوار ذکر
کرده ، و هریکی شامل است برا کثراحکام از حلال و حرام و براغلب مسائل مهمه
از واجبات و مستحبات ، و زیاده براین بر بیشتر مردمان لازم نمیشود ، پس از جهت
سهل شدن امور دینیه و احکام اسلامیه بر برادران ایمانی ایندو حدیث را جمع و ترجمه
نموده ، تا اینکه سبب عالم بودن ایشان باشد برا کثراحکام ، و محتاج بر تقلید نباشند
در اغلب مسائل حلال و حرام ، و شروع میشود بذکر ترجمه حدیث که حضرت
نوشت بر مأمون .

بدرستی که محض اسلام عبارت است از شهادت دادن بوحدانیت خداوند تعالی
که اوشنونده و بیننده و صاحب قدرة و قدیم و همیشه باقی و عالمست که جهل دراو
نیست ، و قادر است که عجز دراو نخواهد شد ، و غنی است که در او احتیاج نبوده ،

و عادل است که ظلم در او نخواهد بود، و بدرستی که او است خلق کننده همه اشیاء؛ و نیست مثل او چیزی، و شبیه و ضد و مثل ندارد و از عبادت و دعا مقصود او است، و رغبت مردمان بسوی او است، و ترس ایشان از او است، و بغیر از او پناه ندارند، و بدرستی که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله بنده و رسول و امین و بر گزیده او است از جمیع مخلوقات و آقای تمام پیغمبران و ختم کننده ایشان و افضل تمام موجودات است، و نیست بعد از او پیغمبری و تبدیل نیست بر ملت او و تغییر نیست بر شریعت او تا بروز قیامت، و جمیع آنچه آنحضرت آورده از احکام و حلال حق واضح است، و ما مسلمانان تصدیق میکنیم او را، و جمیع پیغمبران قبل از او را و کتاب او را نیز تصدیق میکنیم که صادق است، و غلبه کننده بر باطل است، چه قبل از آن آمده و یا بعد از آن بیاید و کتاب او نازل شده از نزد خداوند حمید حکیم و قرآن او جمع کننده تمام کتابهای سابق است، و از فاتحه تا بغتاه حقست و تصدیق میکنیم بحکمات و متشابهاً و خصوص و عومات و وعد و وعید و ناسخ و منسوخ و قصه ها و خبرهای آنرا، و قادر نمیشود کسی بر اینکه مثل قرآن را بیاورد.

و بدرستی که دلیل و حجت بعد از آنحضرت بر مؤمنین و قیام کننده بر امور مسلمین و نطق کننده از قرآن واقعی بر احکام قرآن برادر آنحضرت و خلیفه و وصی و ولی او است و آنکس است که منزله او از آنحضرت بمنزله حضرت هرون از حضرت موسی است، و او حضرت علی امیر المؤمنین علیه السلام است که امام متقین و قائم الفرائض و افضل جمیع اوصیاء و وارث علوم تمام انبیا، و مرسلین است و بعد از آنحضرت جمع کننده تمام این اوصاف پسر او حضرت امام حسن (ع) است و بعد از او با این اوصاف حضرت امام حسین (ع) است که هر دو آقا های جوانان اهل بهشتند و بعد از حضرت امام حسین (ع) پسر او امام زین العابدین علی (ع) و بعد از او پسر او امام محمد باقر (ع) نشر کننده علوم انبیا و بعد از او پسر او امام جعفر صادق (ع) وارث علوم اوصیاء و بعد از او پسر او موسی کاظم (ع) و بعد از او پسر او موسی الرضا (ع) و بعد از او پسر او محمد بن علی (ع) و بعد از او پسر او علی بن محمد (ع) و بعد از او پسر او حسن بن علی (ع) و بعد از او پسر او حجت بن الحسن قائم (ع)

است که مردمان انتظار ظهور او را میکشند .

و بدرستی که شهادت میدهم بروصی بودن ایشان و امامت ایشان و اینکه زمین خالی نمیشود از حجت خداوند بر مخلوقات خود و بر اینکه ایشانند ریسمان محکم از جهت چنگ زدن و امامان هدایت کنندگان و حجت خداوند بر اهل دنیا تا بروز قیامت . و شهادت میدهم بر اینکه هر کس برایشان مخالفت نماید پس اوضال و گمراه و گمراه کننده و ترك کننده حق و تارك هدایت است و بر اینکه ایشان از قرآن میگویند و فرمایش ایشان فرموده جد ایشان پیغمبر است و هر کس بمیرد و ایشانرا نشناسد با نامهای ایشان و پدران ایشان و دوست ندارد ایشان را مرده مردن جاهلیت و اینکه از دین ایشانست ورع و حیاء و راستی در گفتن و عمل کردن و صلاح کار بودن وجد و جهد نمودن در امورات دین و ادا کردن امانت بر نیکوکار و بدکار و فجار و طول دادن در سجده ها و بنماز ایستادن در شبها و روزه بودن در روزها و اجتناب کردن از حرامها و منتظر بودن بر گشایش کارها با صبر کردن .

و در نسخه دیگر :

خوش صحبت و خوش همسایه شدن و بذل کردن معروف از طعام و کلام و باز داشتن اذیت خود را از مردمان و خوش روئی نمودن با ایشان و نصیحت و رأفت کردن بر مؤمنین و بعد از اینها وضوء آنچنانست که خداوند تعالی در کتاب خودش امر بر آن فرموده که شستن روی و دستها تا بمرق و مسح کردن سرو دو پاها است يك مرتبه .

و در نسخه دیگر و در حدیث شرایع الدین دو مرتبه جایز است در شستن و مسح کردن و زیاده بر این جایز نیست .

و فرمود فاسد نمیکند وضوء را مگر بول و غایط و ریخ و خواب و جنابت و اگر کسی مسح بیکند بر کفش خود پس او مخالفت کرده بخداوند و برسول او و ترك نموده کتاب خداوند و يك واجب را و غسل روز جمعه و عید فطر و عید قربان و از برای داخل شدن مکه و مدینه و زیارت کردن ائمه و احرام و شب اول ماه رمضان و شب هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم سنت است (و در نسخه دیگر و

حدیث شرایع الدین (غسل روز عرفه ذکر شده و فرمود غسل جنابت فریضه است و غسل حیض مثل آنست و در نسخه دیگر و غسل مس میت نیز فریضه است و در شرایع الدین و غسل میت و غسل غسل نیز دارد .

و فرمود نماز فریضه ظهر چهار رکعت و عصر چهار رکعت و مغرب سه رکعت و عشا چهار رکعت و صبح دو رکعت و همه اینها هفده رکعت میشود و نماز مستحبی سی و چهار رکعت است هشت رکعت قبل از فریضه ظهر و هشت رکعت قبل از عصر و چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشا و این دو رکعت یک رکعت محسوبست و هشت رکعت نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز و ترو دو رکعت قبل از نماز صبح و همه نمازها در اول وقت افضل است .

و فضیلت نماز جماعت بیست و چهار مرتبه زیاده است بر نماز فرادی و نماز در پشت سر مرد جابر نیست و اقتدا مکن مگر بر اهل ولایت اهل بیت (ع) و نماز نمیشود در پوست حیوانات درنده و در نسخه دیگر و نماز نگزارد در پوست میت (و در شرایع الدین) نماز نگزارد در پوست حیوان میت هر چندی که هفتاد مرتبه دباغی بشود و سجده نمیشود مگر بر زمین و آنچه از زمین میروید مگر بچیزی خوردنی و بنه و کتان و فرمودند جایز نیست در تشهد اول گفتن السلام علینا و علی عباد الله الصالحین زیرا که از نماز بیرون شدن باسلام است و زمانی که این را گفتی پس سلام دادی و قصر نماز در مسافت هشت فرسخ است و آنچه زیاده تر شود، و در قصر کردن نماز روزه افطار میشود و هر کس افطار نکند روزه او کفایت نمیکند در سفر و باید قضا نماید زیرا که در سفر روزه نیست و قنوت در نماز پنج وقت واجب است در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع و در نماز میت پنج تکبیر است و هر کس ناقص نماید مخالفت کرده و میت برداشته میشود از طرف پاهایش و بقبر گذاشته میشود اول سرش و بعد از آن پاهایش و قبر مربع میشود و مثل پشت ماهی نمیشود و جهر کردن بسم الله الرحمن الرحیم در جمیع نمازها سنت است (و در شرایع الدین) جهر در بسم الله واجبست و فرایض نماز هفت چیز است وقت و طهارت و توجه با قلب و قبله و رکوع و سجود و دعا نمودن و فرمود زکوة فریضه در نقره در هر دو بیست درهم

پنجدرهم است که چهل يك باشد و در کمتر از این واجب نیست و بعد از این در هر چهل درهم يك درهم است و در طلا در هر بیست مثقال نیم مثقال است و در کمتر از این چیزی نیست و واجب نمیشود ز کوة در طلا و نقره مگر بعد از گذشتن یکسال از وقت. مالك شدن بر آنها و جایز نیست دادن ز کوة مگر بدوستان اهل بیت (ع) و ز کوة در گندم و جو و مویز و خرما ده يك است زمانیکه هر يك از اینها بر پنج وسق برسد و وسق شصت صاع و هر صاع چهار مد و هر مد یکصد و پنجاه و سه مثقال و نیم بمثقال صیرفی است (و در نسخه دیگر) و خمس از جمیع مال يك مرتبه است و دهيك در غلات آنزمانست که با آب باران و نهر و چشمه سیراب شود و هر گاه با دلو و ریسمان آب داده شود نیم دهيك است و در وجوب ز کوة در آنچه ذکر شد فرق نیست در بین فقیر و غنی و بر هر دو واجب (و در حدیث شرایع الدین) وجوب ز کوة را در گوسفند و گاو و شتر بیان فرموده که در چهل رأس گوسفند يك گوسفند است و در یکصد و بیست دو گوسفند و در دویست و يك رأس سه گوسفند و بعد از این در هر یکصد يك گوسفند است و درسی رأس گاو يك گاو ساله یکساله ماده واجب است و در چهل رأس يك گاو ساله دو ساله است و در شصت رأس دو گاو ساله یکساله و در هفتاد رأس يك گاو ساله یکساله و يك گاو ساله دو ساله است و در هشتاد دو گاو ساله دو ساله و در نود سه گاو ساله یکساله و بعد از این در هر سی رأس گاو و گاو میش چه نر و یا ماده يك گاو ساله یکساله و در هر چهل يك گاو ساله دو ساله است و در هر پنج نفر شتر يك گوسفند است تا برسد بر بیست و شش و در آن يك بنت مخاض است و درسی و شش شتر يك بنت لبون است و در چهل و شش يك حقه و در شصت و يك یکنفر جذعة و در هشتاد و يك یکنفر ثنی است و در نود نفر دو بنت لبون و در یکصد و بیست و يك دو حقه است و بعد از این در هر چهل يك بنت لبون و در هر پنجاه يك حقه است .

و فرمود و ز کوة فطره فریضه است بر هر نفر شخص يك صاع از گندم و جو و مویز و خرما هر کدام باشد چه کیبویا صغیر و چه ذ کورویا اناث و چه آزاد و یابنده

و جایز نیست دادن فطره مگر بردوستان اهل بیت (ع) و اکثر ایام حیض ده روز است و اقل آن سه روز و کمتر از سه روز و زیادتر از ده روز استحاضه است و زن مستحاضه خود را محکم میکند با پنبه و یا کهنه و غسل میکند و نماز میگزارد و زن حیاض نماز و روزه را ترك میکند و بعد از پاك شدن روزه را قضا میکند و نماز را قضا نمیکند.

و روزه ماه رمضان فریضه است و زمانی که رؤیت شد واجب میشود و وقتی که ماه شوال دیده شد افطار میشود و جایز نیست نماز جماعت در نمازهای نوافل زیرا که جماعت در آنها بدعت است و بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش دوزخ و در هر ماه سه روز روزه بودن سنت است در هر ده روز يك روز و آن روز پنجشنبه اول است از دهه اول و چهارشنبه اول است در دهه دوم و پنجشنبه آخر است از دهه آخر و روزه ماه شعبان خوبست برای کسی که روزه شود و در نسخه دیگر سنت است و حضرت پیغمبر (ص) فرموده که شعبان ماه من و ماه رمضان ماه خداوند تعالی است (و در شرایع الدین است که) اشخاص صالحین ماه شعبان را روزه میشوند و بروزه آن رغبت میگردند و همیشه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روزه ماه شعبان را متصل بمه ماه رمضان میکرد و فرمود اگر قضا بکنی فوت شده ماه رمضان را متفرقا جایز است (و در شرایع الدین) هر گاه بی دربی قضا بکنی افضلست و فرمود حج بیت الله فریضه است بر آن کسی که راه داشته باشد بر آن و داشتن راه پیدا کردن مخارج آن است با وجود صحت بدن و قدرت رفتن و جایز نیست حج نمودن مگر حج تمتع و جایز نیست حج قران و حج افراد مگر از برای اهل مکه و حاضرین مکه.

مترجم میگوید که انواع حج سه قسم است اول حج تمتع که عمره آن بر حج مقدمست و بحج مربوط میشود و این عمره کفایه میکند از عمره واجب و این را عمره تمتع میگویند در احادیث شریفه و این عمره که قبل از حج واقع میشود فریضه آنکس است که از مکه چهل و هشت فرسخ دور باشد و کسی که کمتر از این دور شد فریضه او حج قران و یا حج افراد است که عمره او مفرد میشود و بحج مربوط نمی شود و مراد حضرت امام رضا علیه السلام در این حدیث این است که آن کسی که منزل ایشان

از مکه دور است فریضه ایشان مقدم کردن اعمال عمره است بر اعمال حج و این را عمره تمتع میگویند و فرمود جایز نیست بستن احرام مگر از میقاتها و خداوند تعالی فرموده **اتمواالحج والعمرة لله** یعنی اعمال حج و عمره را از برای رضا و امر خداوند تعالی جابجا نمائید و جایز نیست قربانی کردن حیوان خاصی که خایه اش را بیرون کرده باشند زیرا که آن ناقص است و حیوان موجود که رک خایه اش کوفته شده جایز است. و جهاد واجب است با امام عادل و هر کسیکه در نزد مال خودش کشته شود پس او شهید است و جایز نیست کشتن کسی از کفار و ناصبیها در بلاد اسلام مگر اینکه آدم کشته باشد و سعی بکنند در فساد نمودن که در این فرض کشتن آنها جایز است از برای کسیکه خوف بر نفس خود و برادران دینی خود نداشته باشد و در نسخه دیگر و جایز نیست خوردن مال مردمان از کفار و غیر از ایشان و تقیه در محل آن واجب است و کفاره و گناه نیست از برای کسیکه بجهت تقیه قسم یاد بکند و از خود رفع ظلم نماید (و در حدیث شرایع) جایز نیست احترام قبل از میقات و جایز نیست تأخیر احرام مگر از جهت مریض و تقیه و اتمام حج و عمره اجتناب کردن است از رفتن که جماع باشد و از فسوق که دروغ و فحش باشد و از جدال که والله و بالله گفتن است و جایز است قربانی نمودن حیوان موجود در فرض نبودن غیر او و فریضه های حج تمتع اول احرام است و بعد از آن چهار تلبیه است و آنها **لبيك اللهم لبيك لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد والنعمة والملك لك لا شريك لك** و طواف بریت از جهت عمره فریضه است و دور کعت نماز طواف در نزد مقام حضرت ابراهیم (ع) فریضه است و بعد از این سعی در بین صفا و مروه فریضه است و بعد از این طواف حج فریضه است و دور کعت نماز طواف فریضه است در نزد مقام آنحضرت و سعی نمودن در بین صفا و مروه برای حج فریضه است و بعد از این طواف نساء و نماز طواف آن فریضه است و بعد از طواف نساء سعی در بین صفا و مروه نیست و وقوف در مشعر الحرام فریضه است و هدی تمتع فریضه است و وقوف در عرفه سنت واجب است و تراشیدن سر و انداختن جمرات سنت است.

و فرمود طلاق باید بطریق سنت و طریقه حضرت پیغمبر (ص) باشد چنانکه

حق تعالی در قرآن فرموده یعنی در سوره طلاق « فطلقوهن لعدتهن » و حضرت پیغمبر (ص) نیز بیان کرده و طلاق نمیشود مگر بطریق سنت یعنی در طهر غیر وقاع و هر طلاقیکه مخالف کتاب خداوند تعالی باشد یعنی در طهر وقاع باشد پس آن طلاق نیست چنانکه هر نکاحیکه مخالف قرآن گردد نکاح نیست و جایز نیست از برای مرد که زیاد تر از چهار نفر زن را جمع بکند و زمانی که زن را با طلاق عده طلاق گفتند سه مرتبه پس آن زن حرام میشود تا اینکه بعد از عده اش بشوهد دیگر تزویج بشود و با ودخول بکند و بعد از آن طلاق بگوید و بعد از عده اش بشوهد اول حلال میشود .

و حضرت امیر المؤمنین (ع) فرموده پرهیز بکنید از تزویج کردن آن زنانی که در یک مجلس با آنها سه طلاق گفته شده پس بدرستی که آنها صاحب شوهرند یعنی طلاق آنها صحیح نیست و صلوات فرستادن بحضرت پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم در هر محل واجب است و در وقت عطسه و وزیدن بادها و غیر از اینها و دوست بودن با اولیا، الله دشمن بودن با دشمنان حق تعالی و برائت نمودن از آنها و از رئیس آنها واجب است و نیکوئی کردن بر پدر و مادر واجبست هر چندی که مشرک باشند و اطاعت ایشان در معصیت خداوند تعالی جایز نیست همچنین غیر ایشان و بدرستی که اطاعت نیست برای مخلوق در معصیت خالق .

و حلال شدن بچه حیوان در شکم مادرش موقوف است بحلال شدن مادرش یا ذبح کردن زمانی که آن بچه موی داشته باشد و حلال است دو متعه چنانکه حلال شدن هر دورا خداوند تعالی در قرآن بیان فرموده و حضرت پیغمبر (ص) نیز آنها را سنت و طریقه خود قرار داده یکی متعه زنان و دیگری متعه حج است (و در حدیث شرایع الدین) و حلال دانستن دو متعه واجبست چنانکه خداوند تعالی در کتاب خودش بیان فرموده .

مترجم میگوید که مراد از نازل فرمودن دو متعه را در قرآن این آیه است در سوره بقره « فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدى » در متعه حج و این آیه است در سوره نساء « فما استمتعتم به منهن فأتوهن اجورهن » در متعه نساء .
و فرمود که فرایض ارث آنچنانست که خداوند تعالی در قرآن نازل فرموده

که نصف و ربع و ثمن و ثلثان و ثلث و سدس باشد نه زیادتر از اینها و عول نیست در این سهام که يك سهم زیاد شده باشد وارث نمیبرد با وجود اولاد و پدر و مادر هیچ کس از برادران و خواهران و اولاد ایشان و از اعمام و احوال و اولاد ایشان مگر زوج و زوجه که اینها با جمیع ورثه جمع میشوند و صاحب سهم از شش سهم مذکور مقدمست در ارث بردن از آنکسیکه سهم ندارد یعنی اول صاحب سهم تمام سهم خود را اخذ میکند و باقی را آنکس اخذ میکند که سهم ندارد و از دین خداوند نیست که از برای اقوام میت. و عصبه او یکسهم داده شود با وجود اقرب میت.

و عقیقه از مولود چه ذکور باشد و یا اناث در روز هفتم واجب است و در نسخه دیگر (و در شرایع الدین) وجوب ندارد و نام نهادن بر طفل در روز هفتم و تراشیدن سر او و به وزن مویش طلا و یا نقره تصدق میکنند. این روز وختان سنت واجب است بد کور و کرامت است بزنان و بدرستی که خداوند تعالی تکلیف نمیفرماید بمردمان مگر بقدر وسعت ایشان و بدرستی که افعال مردمان مخلوق خداوند است تا اختیار مردمان نه بدون اختیار ایشان، و خداوند تعالی خالق همه اشیاء است، و قائل نشوی بر جبر و بر تفویض و خداوند اخذ نمیکند بدون گناه را بگناه شخص دیگر، و عذاب نمیکند بر اطفال از جهت گناه کار بودن پدران آنها، و خودش فرموده: «ولا تزروا ذرّة و زرا اخری و ان لیس للانسان الاماسعی، و برای خداوند جایز است عفو و تفضل نمودن و بمردمان ظلم نمیکند زیرا که محتلاج بظلم کردن نیست و واجب نمیکند بمردمان اطاعت کسی را که میدانند او مردمان را اضلال و اغوا میکند و اختیار نمیکند بر سالت و پیغمبری کسی را که میدانند که او کافر میشود و عبادت غیر خداوند را میکند و بدرستی که اسلام غیر از ایمانست و هر مؤمن مسلم است و هر مسلم مؤمن نیست.

و شخص دزد در وقت دزدی کردن مؤمن نیست و کسی زناکار در زمان زنا نمودن مؤمن نیست و کسانی که حدی بر آنها زدند مسلمانند و مؤمن نیستند و کافر هم نیستند و خداوند تعالی مؤمن را بدوزخ داخل نمیکند و بر مؤمن وعده جنت داده و کافر را از دوزخ خارج نمیکند و بر او وعده دوزخ و خلود نموده، و شریک قرار دادن را نیامرزد، و غیر از شرك را بیامرزد از برای کسیکه خواسته باشد، و گناهکاران

اهل توحید داخل دوزخ میشوند و بعد از مدتی بیرون میشوند و شفاعت از برای ایشان جایز است و امروز بلاد ولایات اسلام است نه بلاد کفر و نه بلاد ایمان و امر به معروف و نهی از منکر هر دو واجب است زمانیکه ممکن شود و خوف بر نفس نشود و ایمان عبارت است از ادای امانت و اجتناب جمیع گناهان کبیره و در نسخه دیگر ایمان ادا کردن واجبات و اجتناب حرامها است و ایمان معرفت با قلب و اقرار با زبان و عمل بارکان است و تکبیر گفتن در عید فطر و قربان واجبست در فطر در عقب پنج نماز و ابتداء از نماز مغرب میشود و در نماز عصر تمام گردد و در عید قربان بعد از ده نماز و ابتدا از نماز ظهر میشود در روز عید و در منی بعد از پانزده نماز در نسخه دیگر و خوب ندارد (و در حدیث شرایع الدین) لفظ و خوب است و تکبیرات اینست « الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر و الله الحمد لله اکبر علی ما هدانا و الحمد لله علی ما ابلانا » زیرا که خداوند تعالی فرموده « و لتکبروا لله علی ما هدیکم » و در تکبیرات عید قربان زیاده میشود « و الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام » و قرآن کلام خداوند تعالی است نه خالق است و نه مخلوق و فرمود زن نفساء هیچده روز نماز را ترک میکند (و در شرایع الدین و در نسخه دیگر) بیست روز است و هر گاه قبل از این روزها پاک شود غسل میکند و نماز را بجا میآورد و اگر تا بمدت بیست روز پاک نشد غسل میکند و مثل زن مستحاضه عمل میکند و باید ایمان بیاوری بعذاب قبر و منکر و نکیر و زنده شدن بعد از موت و بمیزان و صراط و براءت از آنکسانی که ظلم کردند بر آل محمد (ص) و ایشان را از بلاد خودشان خارج نمودند و ظلم را برایشان طریقه خودشان قرار دادند و طریقه حضرت پیغمبر (ص) را تغییر دادند و تبدیل نمودند .

و نیز براءت واجبست از اصحاب جمل و صفین و نهروان آنکسانی که هتک نمودند حجاب حضرت پیغمبر (ص) را و بیعت امام خودشان را شکستند و آن زن را بیرون کردند و با حضرت امیر المؤمنین (ع) جنک نمودند و شیعه آنحضرت را کشتند رحمت خداوند تعالی بر شیعیان آنحضرت (و در شرایع الدین) و دوستی اولیاء الله واجب است و براءت از دشمنان او نیز واجبست و از آنکسانی که ظلم کردند بر آل

محمد (ص) و هتک کردند حجاب حضرت پیغمبر (ص) را و اخذ کردند از حضرت فاطمه (ع) فدکرا و منع نمودند ارث او را از پدرش و غصب نمودند حق او را و حق شوهرش را و قصد کردند برسوزنیدن خانه او را و اساس ظلم را گذاشتند و طریقه حضرت پیغمبر را تغییر دادند .

و برائت کردن و اجبست از آنکسانیکه نیکوکاران اصحاب حضرت پیغمبر (ص) را خارج بلد کردند و بدکاران و طرد شدگان و لعن شدگان را منزل دادند و بیت المال مسلمین را در بین اغنیا قسمت کردند و دولت اخذ نمودند و سفیهانرا بر بلاد اسلام حاکم قرار دادند مثل معاویه و عمرو بن عاص که دولعت شدگان حضرت پیغمبر بودند و نیز برائت و اجبست از اشیا ع و اتباع آنها که با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جنگ کردند و مهاجرین انصار و اهل صلاح و فضل را از سابقین کشتند .

و نیز برائت و اجبست از اهل استبداد بخلافت و از ابی موسی و دوستان او آنکسانیکه ضایع شد سعی آنها در دنیا و عمل آنها باطل گردید و آنها گمان میکنند که کار خوب نموده اند و آنها آنکسانند که بر آیات خداوند تعالی کافر شدند و بر ولایت و امامت آنحضرت قائل نشدند و بدون اعتقاد بر امامت آنحضرت مردند پس اعمال خیر آنها که اسلام و جهاد در خدمت حضرت پیغمبر (ص) باشد ضایع شد و بدون فائده گردید و در روز قیامت برای آنها میزان نمیشود زیرا که اعمال خیر آنها بسبب جنگ کردن با حضرت امیر المؤمنین (ع) و بجهت عدم اعتقاد بر امامت آنحضرت ضایع شد پس آنها سگهای اهل دوزخ هستند .

و برائت و اجبست از انصاب و از لام که پیشوایان ضلالت و رئیسان ظلم و جورند اول آنها و آخر آنها .

و نیز برائت و اجبست از شبیه پی کننده نفاقه حضرت صالح که بدترین اولین و آخرین است و از آنکسانیکه آنها را دوست دارند (و در شرایع الدین) و برائت و اجبست از جمیع قاتلان اهل بیت (ع) و فرمود و نیز دوستی و محبت حضرت امیر المؤمنین و آنکسانیکه در طریقه حضرت رسول الله (ص) مردند و بر شریعت آنحضرت تغییر و تبدیل ندادند و اجبست مثل سلمان و ابوذر و مقداد بن اسود و عمار بن یاسر و حدیفه

ابن یمن و ابی هیثم بن تیهان و سهل بن حنیف و عبادة بن صامت و ابویوب انصاری و خزیمه بن ثابت ذی الشهادتین و ابی سعید خدری و امثال ایشان خداوند تعالی از ایشان راضی باشد و دوستان و اتباع و اشیاع ایشان و آنکسانیکه با هدایت ایشان هدایت شدند و در طریقه ایشان سلوک نمودند و راه رفتند رضوان و رحمت خداوند برایشان بوده باشد .

و واجب است اعتقاد نمودن بر حرام بودن اشیاء مست کننده از هر چه باشد زیاد و اندک آن و آنچه زیاده ترش مست بکند اندک آن حرام است و شخص مضطر نباید مست کننده بخورد زیرا که او را میکشد و حرام بودن هر حیوان درنده و هر مرغی که چنگال داشته باشد و شکار بکند و حرام بودن سپرز زیرا که آن خون فاسد است و حرام بودن ماهی جری و طافی و مار ماهی و زمیر و هر ماهی که فلوس نداشته باشد (و در شرایع الدین) و خورده میشود از تخم مرغ آنچه دو طرف آن مختلف شود و خورده نمیشود آنچه دو طرف آن مساوی باشد و خورده میشود از ملخ آنچه مستقل باشد در پریدن و خورده نمیشود آنچه طیران نداشته باشد و زکوة ماهی و ملخ اخذ آنها است در حال زنده بودن (و در نسخه دیگر) حرامست هر مرغی که سنگدان نداشته باشد و اجتناب کن از گناهان کبیره و آنها قتل نفس است (و در شرایع الدین) اول آنها شریک قرار دادن خداوند تعالی است و فرمود وزنا و دزدی کردن و خوردن مست کننده و عاق و والدین شدن و از جهاد فرار کردن و خوردن مال یتیم از جهة ظلم و خوردن میته و خون و گوشت خوک و خوردن آن حیوانی که بغیر نام خداوند تعالی ذبح شده بدون ضرورت بخوردن آن و خوردن ربا بعد از بیان شدن و رشوه در حکم و قمار و کم دادن در کبیل و وزن و نسبت دادن زنان عقیفه و مردمان با عفت را برزنا و لواط کردن و شهادت دروغ نمودن و از رحمت خداوند جل جلاله مایوس شدن و از عذاب او خاطر جمع بودن و از مکافات و جزای اعمال بد در امان شدن و بر ظالمان اعانت کردن و با آنها دوستی نمودن و قسم دروغ یاد کردن و حبس نمودن حقوق مردمان بدون پریشانی و دروغ گفتن و اظهار کبر کردن و اسراف نمودن و تزییع مال کردن و خیانت بر مردمان و حج را خفیف شمردن و بدون اعتنا بحج بودن

و با دوستان خداوند تعالی جنک کردن و بر ملامتی و منہیات مشغول شدن و بر صغایر گناہان اصرار کردن (و در نسخہ دیگر) و کتمان نمودن شہادت و ملامتی کہ از یاد خداوند تعالی انسان را باز دارد مثل غنا و زدن تارہا و اینہا کہ ذکر شدہ اصول دین است (و در حدیث شرایع الدین) ملامتی کہ شخص را از یاد خداوند جل جلالہ باز دارد مکروہ است مثل غنا و تار زدن و در آنچه کہ ذکر شد کفایت است بر اشخاص عبادت کنندگان .

تمام شد ترجمہ ہردو حدیث در ساعت سوم از روز سوم از دہہ سوم از ماہ نہم
 از سال ہفتم از دہہ پنجم از صدچہارم از ہزار دوم از ہجرت حضرت نبوی
 صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و بعض عبارات حدیث شریف را فی الجملہ
 توضیح نمود الحمد للہ کما ہواہلہ و مستحقہ